

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

11.149

۸۶ / ۱۰ / ۸۴
۸۸ / ۱ / ۵۵

دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

انقلاب در ارتباطات فرهنگی و صلح و امنیت جهانی

نگارش: غلامرضا کریمی

استاد راهنما: دکتر قاسم افتخاری

اساتید مشاور: دکتر نسرین مصفا، دکتر قاسم شعله سعدی

رساله برای دریافت درجه دکتری

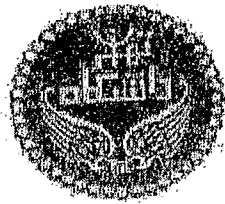
در رشته روابط بین الملل

بهمن ۱۳۸۷

۱۱۰۸۶۹

۱۳۸۸ / ۱۱ / ۱۱۷

اطلاعات در کتابخانه
سازمان اسناد و کتابخانه ملی



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی روابط بین الملل
گواهی دفاع از رساله دکتری

هیات داوران رساله دکتری : غلامرضا کریمی

در رشته : روابط بین الملل

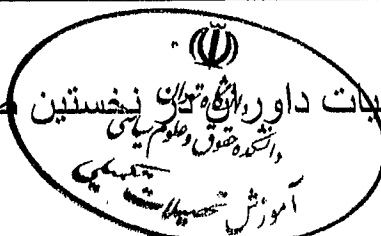
گرایش :

با عنوان : انقلاب در ارتباطات فرهنگی و صلح و امنیت جهانی

را در تاریخ : ۱۳۸۷/۱۱/۱۶ با درجه **بسیار خوب** ارزیابی نمود .

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر قاسم افتخاری	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر نسرين مصفا	دانشیار	"	
۳	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	دکتر قاسم شعله سعدی	استادیار	"	
۴	استاد مدعو خارجی	دکتر مجتبی مقصودی	استادیار	دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر غلامعلی چگینی زاده	استادیار	دانشگاه علامه طباطبایی	
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر بهرام مستقیمی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی	دکتر ابومحمد عسگرخانی	استادیار	"	
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر ابومحمد عسگرخانی	استادیار	"	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران به تاریخ نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد





جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره _____
تاریخ _____
پرونده _____

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب غلامرضا میری متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو غلامرضا میری
امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فخر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸
فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

تقدیم به

پدر و مادرم

**که موفقیت های خود را
مرهـــــــــــــــــــــون
تشویق ها و دعای خیر
آنها هستم .**

چکیده

پرسش یا مساله اصلی رساله حاضر این است که چه عواملی در تامین صلح و امنیت جهانی دخیل هستند؟ در پاسخ به این سوال سه فرضیه مطرح گردید که عبارتند از: ۱- توسعه همکاریهای حقوقی و سیاسی مهمترین عامل موثر در تامین صلح و امنیت جهانی است. ۲- توسعه همکاریهای اقتصادی مهمترین عامل موثر در تامین صلح و امنیت جهانی است. ۳- انقلاب در ارتباطات فرهنگی مهمترین عامل موثر در تامین صلح و امنیت جهانی است. فرضیه های اول و دوم، به عنوان رقیب و فرضیه سوم به عنوان فرضیه اصلی تحقیق تعیین گردید و مبنای نظری کار، نظریه سازه انگاری و نظریات امنیتی جدید در نظر گرفته شد.

برای بررسی صحت و سقم فرضیه های بالا، ابتدا حجم گسترده ادبیات پیرامون امنیت با توجه به نقش محوری ارزش ها و تهدیدات علیه آنها و روشهای رفع تهدیدات در قالب سه پارادایم "امنیت ملی"، "امنیت بین المللی" و "امنیت جهانی" مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس با توجه به اهمیت یابی روزافزون فرهنگ و ارتباطات فرهنگی در عرصه بین المللی، شاخص های آن از طریق افزایش ارتباطات فرهنگی میان کشورها افزایش سازمانهای بین المللی دولتی و غیر دولتی، گسترش جنبش های اجتماعی بین المللی و مهاجرتهای بین المللی و تنوع تکنولوژیهای نوین ارتباطی مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً نشان داده شد که بهترین ابزارهای حفظ و حراست از ارزشهای امنیت جهانی نظیر پاسداری از حقوق بشر، تقویت هویت های فردی، قومی و گروهی، پاسداری از محیط زیست، زدایش تعصبات فرهنگی و حفظ صلح و امنیت جهانی می تواند از طریق ارتباطات فرهنگی بین المللی صورت می گیرد و در پایان نیز با توجه به متنوع شدن بازیگران و ظهور مسائل و موضوعات جدید در عرصه روابط بین الملل مدل ارتباطات فرهنگی بین المللی و تامین صلح و امنیت جهانی ارائه گردید که موبد اثبات فرضیه اصلی پژوهش می باشد.

پیشگفتار

سالها پیش از ورود به مقطع دکتری روابط بین الملل، به خاطر اشتغال در امور بین الملل وزارت آموزش و پرورش و کمیسیون ملی آیسسکو و همچنین شرکت در کنفرانس ها و مجامع بین المللی آموزشی مختلف، علاقمند به فعالیت پژوهشی در عرصه بین رشته ای، بین دو حوزه روابط بین الملل و آموزش و پرورش بودم. ابتدا چندین سال در خصوص موضوعات مربوط به "صلح و یونسکو" و "شهروندی جهانی و یونسکو" مطالعه و تحقیق نمودم و تلاشم بر این بود که همین موضوع را به عنوان رساله دکتری انتخاب کنم. اتفاقاً چندین تحقیق درسی خود را به این موضوع اختصاص دادم ولی در مقطع زمانی تصویب موضوع جناب آقای دکتر افتخاری توصیه نمودند که موضوع "یونسکو و شهروندی جهانی" موضوعی جزئی برای رساله دکتری باشد لذا پس از مباحثات فراوان به موضوع "رابطه فرهنگ و امنیت" رسیدیم که باز هم تلاش نمودم پیش زمینه های تجربی و کاری خود را به این موضوع مرتبط نمایم.

در مراحل تدوین رساله، تلاشم برای این بود که خیلی در چنبره تئوریهای مسلط روابط بین الملل و ادبیات تئوریهای امنیتی گرفتار نشوم - البته در عمل تا حدی مجبور به تبعیت از رویه های معمول در روابط بین الملل شدم - تا با توجه به تجربیات عملی و مطالعاتی ۱۵ ساله در عرصه آموزش بین المللی و شهروندی بتوانم جایگاه فرهنگ و روابط فرهنگی را نه صرفاً در پرتو دیدگاههای نخبگان بلکه در پرتو فرایند جامعه پذیر شدن نسل جوان فعلی در سطوح ملی و جهانی تجزیه و تحلیل نمایم که به نظرم حاصل کار تا حدی قرین به این مقصود گردید. بر این امیدم که آنچه در این رساله به رشته تحریر در آمد مقدمه ای برای توسعه کارهای بعدی برای تقریب بیشتر بین دو حوزه "آموزش و روابط فرهنگی بین المللی" و "صلح و امنیت جهانی" باشد.

تقدیر و تشکر

در تدوین این رساله از راهنمایی های ارزشمند استاد گرانقدر جناب آقای دکتر افتخاری بهره بردم ایشان با صبر و حوصله، شرایط مناسبی را برای شکل دهی به چارچوب رساله و تدوین آن فراهم نمودند این تمرین پژوهشی سه ساله با ایشان به ویژه در عرصه روش پژوهش، تجربه ارزشمندی را برای فعالیت های پژوهشی بعدی من نیز به وجود آورد.

همچنین اساتید مشاور سرکار خانم دکتر مصفا و جناب آقای دکتر شعله سعدی، نکات مثمرتر و مفیدی را در جای جای تدوین رساله بیان نمودند. علاوه بر این اساتید داور رساله جناب آقایان دکتر عسکرخانی، دکتر مستقیم، دکتر چگینی زاده و دکتر مقصودی نقد و نظرات موثری در خصوص کل کار ارائه کردند که علاوه بر لحاظ نمودن برخی از آنها در رساله، اصول بنیادینی را برای پژوهش های بعدی من ارائه نمودند.

افزون بر این ها از نقطه نظرات و دیدگاههای سرکار خانم دکتر مشیرزاده و جناب آقای دکتر عیوضی در رساله بهره بردم که از تک تک بزرگواران تقدیر و تشکر می نمایم.

همچنین همسر من مثل همیشه هم مشوق من بود و هم با صبر و حوصله در کل فرایند تدوین و نهایی سازی رساله همراه و یاور من بود و اگر تلاش ها و پیگیریهای ایشان نبود کار رساله امروز به سرانجام نمی رسید.

غلامرضا کریمی

۱۶ بهمن ۱۳۸۷

فهرست جداول و نمودارها

جدول شماره ۱: ارزش ها و تهدیدات مرتبط با امنیت ملی بین المللی و جهانی..... ۲۷۵

نمودار شماره ۱: روند تامین امنیت جهانی از طریق روابط فرهنگی بین المللی..... ۲۸۱

نمودار شماره ۲: مدل ارتباطات فرهنگی بین المللی و دگرگونی صلح و امنیت جهانی..... ۲۸۳

فهرست مطالب

مقدمه	۱
کلیاتی درباره گفتمانهای امنیت	۳۹
فصل نخست: مفهوم و ابعاد امنیت و رابطه آن با ارزشها	۴۰
بخش اول: تعریف هایی از مفهوم امنیت و دگرگونی آن	۴۰
بخش دوم: امنیت و ارزش	۴۴
بخش سوم: ابعاد امنیت	۴۶
فصل دوم: رهیافت های سستی مطالعه امنیت	۵۳
بخش اول: آرمانگرایی	۵۳
بخش دوم: واقعگرایی (رئالیسم)	۵۶
بهره نخست: دگرگونی مفهوم و محتوای گفتمان امنیت: از امنیت ملی تا امنیت بین المللی	۵۹
فصل نخست: ارزش ها و امنیت جامعه ملی	۶۰
بخش نخست: مفهوم و ماهیت امنیت ملی	۶۱
بخش دوم: ارزش های جامعه ملی	۶۳
بند اول: بقا	۶۳
بند دوم: یکپارچگی سرزمینی	۶۳
بند سوم: یکپارچگی ملی	۶۴
بند چهارم: حاکمیت دولت ملی	۶۴
بند پنجم: استقلال ملی	۶۵
بند ششم: توسعه اجتماعی	۶۶
بخش سوم: سرچشمه های تهدید ارزش های ملی	۶۷
بند اول: تجاوزات قدرتهای خارجی	۶۷
بند دوم: سلطه و استیلای خارجی	۶۷
بند سوم: استعمار داخلی و خارجی	۶۸
بند چهارم: اختلافات ارضی و مرزی	۶۹
بند پنجم: جنبش ها و تجزیه طلبی های قومی و نژادی	۷۰
بخش چهارم: روش های تامین امنیت ارزشهای جامعه ملی	۷۳
بند اول: افزایش قدرت نظامی	۷۳
بند دوم: توسعه	۷۵
بند سوم: تقویت احساسات ملی و ملت سازی	۸۰

۸۱	بند چهارم: همکاریهای امنیتی با دولت های دیگر.....
۸۳	فصل دوم: ارزش ها و امنیت جامعه بین المللی.....
۸۳	بخش نخست: مفهوم و ماهیت امنیت بین المللی.....
۸۷	بخش دوم: ارزش های جامعه بین المللی.....
۸۷	بند اول: گسترش روابط سیاسی و دیپلماسی.....
۸۸	بند دوم: گسترش روابط اقتصادی و تجاری.....
۸۸	بند سوم: گسترش روابط فرهنگی.....
۸۹	بند چهارم: جلوگیری از جنگ ها و بحرانهای منطقه ای بین المللی.....
۹۰	بخش سوم: سرچشمه های تهدید ارزش های بین المللی.....
۹۱	بند اول: رقابت بر سر توزیع ارزش های بین المللی.....
۹۱	بند دوم: رقابت سیاسی.....
۹۱	بند سوم: رقابت نظامی.....
۹۲	بند چهارم: رقابت اقتصادی.....
۹۳	بند پنجم: رقابت فرهنگی.....
۹۴	بخش چهارم: روش های تامین امنیت ارزشهای جامعه بین المللی.....
۹۴	بند اول: ترویج حقوق بین الملل و پای بندی به آن.....
۹۵	بند دوم: برپایی نهادهای همکاری بین المللی.....
۹۷	بند سوم: تاسیس رژیم های بین المللی.....
۱۰۱	بند چهارم: برپایی نظام های امنیتی بین المللی.....
۱۰۲	بند پنجم: کنترل تسلیحات (خلع سلاح).....
۱۰۵	بند ششم: برپایی نهادهای اقتصادی بین المللی و منطقه ای.....
۱۰۸	بخش پنجم: ارزیابی روش های تامین امنیت ارزشهای جامعه بین المللی.....
۱۰۹	بهره دوم: گذر از امنیت بین المللی به گفتمان امنیت جهانی.....
۱۱۰	فصل نخست: مفهوم و ماهیت امنیت جهانی.....
۱۱۶	فصل دوم: ارزش های امنیت جهانی.....
۱۱۶	بند اول: اهمیت یافتن فرد انسانی.....
۱۱۷	بند دوم: گسترش رعایت موازین حقوق بشر.....
۱۱۹	بند سوم: سلامت جسمی و روانی افراد.....
۱۲۰	بند چهارم: توسعه مادی و معنوی افراد.....
۱۲۱	بند پنجم: تقویت هویت های قومی و فرهنگی.....
۱۲۳	بند ششم: پاسداری از محیط زیست.....
۱۲۴	بند هفتم: پاسداری از صلح و امنیت جهانی.....
۱۲۶	فصل سوم: سرچشمه های تهدید امنیت ارزش های جهانی.....

- بخش نخست: سرچشمه های سیاسی تهدیدامنیت ارزش های جهانی..... ۱۲۶
- بند اول: نقض حقوق بشر بوسیله فرمانروایان..... ۱۲۶
- بند دوم: برخوردهای قومی، فرقه ای و ایدئولوژیک..... ۱۲۶
- بند سوم: گسترش تروریسم فردی، گروهی، دولتی و جهانی..... ۱۲۷
- بند چهارم: منازعات و جنگ های بین المللی..... ۱۲۹
- بند پنجم: یک جانبه گرایی و هژمونی طلبی..... ۱۳۱
- بخش دوم: سرچشمه های اجتماعی تهدید امنیت ارزش های جهانی..... ۱۳۴
- بند اول: فقر، گرسنگی و بیماری..... ۱۳۴
- بند دوم: انفجار جمعیت..... ۱۳۷
- بند سوم: آسیب های اجتماعی ملی و فراملی..... ۱۳۸
- بخش سوم: سرچشمه های اقتصادی تهدید امنیت ارزش های جهانی..... ۱۴۰
- بند اول: توزیع نامتوازن فرصت و ثروت..... ۱۴۰
- بند دوم: کارکرد نهادهای اقتصادی به نفع توانگران..... ۱۴۰
- بند سوم: توزیع نامتوازن ارزش های افزوده تولید کالاها..... ۱۴۱
- بند چهارم: توزیع نامتوازن منابع مواد خام، انرژی..... ۱۴۲
- بخش چهارم: سرچشمه های زیست محیطی تهدید ارزش های جهانی..... ۱۴۳
- بند اول: بهم خوردن توازن طبیعی لازم برای زندگی..... ۱۴۳
- بند دوم: آلودگی آب و هوا..... ۱۴۳
- بند سوم: تخریب فضای سبز..... ۱۴۴
- بند چهارم: گرمایش زمین..... ۱۴۴
- فصل چهارم: روش های جاری تامین امنیت ارزش های جامعه جهانی..... ۱۴۶
- بخش نخست: تامین امنیت جهانی از طریق همکاریهای
سیاسی و حقوقی دولت ها..... ۱۴۶
- بخش دوم: تامین امنیت جامعه جهانی از طریق
همکاریهای اقتصادی دولت ها..... ۱۵۸
- بهره سوم: ارتباطات فرهنگی و تامین امنیت جهانی..... ۱۶۹
- فصل نخست: کلیاتی درباره فرهنگ و ارتباطات فرهنگی بین المللی..... ۱۷۰
- بخش نخست: فرهنگ و تحول مفهومی آن..... ۱۷۰
- بند نخست: واژه فرهنگ
- بند دوم: تعریف فرهنگ
- بخش دوم: فرهنگ و روابط فرهنگی بین المللی..... ۱۷۹
- بند اول: فرهنگ و روابط بین الملل
- بند دوم: روابط فرهنگی بین المللی

۱۸۹	فصل دوم: معیارها و شاخص های افزایش ارتباطات فرهنگی
۱۸۹	بخش نخست: ارتباطات فرهنگی میان کشورها
	مقایسه تطبیقی روابط فرهنگ چند کشور
۲۰۱	بخش دوم: ارتباطات فرهنگی از طریق سازمانهای بین المللی
	بند اول: یونسکو و گسترش شبکه های ارتباطی
	بند دوم: یونسکو و تقویت فرهنگ صلح
	بند سوم: یادگیری برای با هم زیستن
	بخش سوم: ارتباطات فرهنگی از طریق جنبشهای اجتماعی و سازمانهای
۲۱۶	بین المللی غیر دولتی
	بند اول: جنبش های اجتماعی
	بند دوم: سازمانهای بین المللی غیر دولتی
۲۲۸	بخش چهارم: ارتباطات فرهنگی از طریق مهاجرتهای بین المللی
۲۳۱	بخش پنجم: افزایش ارتباطات فرهنگی از طریق مذهب
۲۳۴	بخش ششم: افزایش ارتباطات فرهنگی از طریق تکنولوژیهای نوین ارتباطی
۲۴۱	فصل سوم: افزایش ارتباطات فرهنگی و تامین امنیت ارزش های جهانی
۲۴۱	بخش نخست: ارتباطات فرهنگی و پاسداری از حقوق بشر
۲۵۲	بخش دوم: ارتباطات فرهنگی و تقویت هویت های فردی، قومی و فرهنگی
۲۵۷	بخش سوم: ارتباطات فرهنگی و پاسداری از محیط زیست
۲۶۵	بخش چهارم: ارتباطات فرهنگی و نظریه برخورد تمدنها
۲۶۸	بخش پنجم: ارتباطات فرهنگی و زدایش تعصبات فرهنگی
۲۷۰	بخش ششم: ارتباطات فرهنگی و پاسداری از صلح و امنیت ارزشهای جامعه جهانی
۲۷۳	نتیجه گیری
۲۸۴	منابع و مأخذ

مقدمه

بیان مساله

امنیت و راههای حصول آن قدمتی به بلندی تاریخ حیات بشری دارد. بشر از ابتدا با معمای امنیت و چگونگی برخورداری از آن دست به گریبان بوده است. اما مفهوم امنیت بر حسب روابط قدرت میان دولت‌های سرزمینی از زمان معاهده وستفالی و شکل‌گیری سیستم دولت-ملت‌ها از زمان وقوع انقلاب فرانسه مطرح شد. در واقع با پیدایش مقوله‌ای بنام دولت - ملت با مرزهای مشخص، مهم‌ترین تحول و شاید مهم‌ترین نقطه عطف در بحث و جدل پیرامون مفهوم امنیت بوقوع پیوست.

امنیت در ابتدا در گرو فقدان تهدید، قابل حصول بود اما در چارچوب سیستم دولت - ملت، رفته رفته فقدان تهدید، خود در گرو کسب قدرت و توانایی تلقی شد. شکل‌گیری مفهوم جدید امنیت به مفهوم "منافع ملی" اعتبار خاصی بخشید و همین امر زمینه را برای تقویت رقابت، منازعه و حتی تبعیت به عنوان منطبق کنش‌های امنیتی هموار ساخت. در واقع اگر در گذشته رابطه میان بازیگران عمدتاً بر اساس جنگ تعریف می‌شد اما در گفتمان جدید در کنار جنگ و نزاع، رقابت، سلطه و همکاری نیز در کانون معادلات امنیتی قرار گرفت.^۱

تحول دیگر در مفهوم امنیت با اهمیت یافتن عناصر غیر نظامی قدرت در کنار عناصر نظامی آن به وقوع پیوست بطوریکه عناصری چون فرهنگ، اراده و روحیه ملی بعنوان ابعاد ذهنی قدرت از اهمیت خاصی برخوردار شدند^۲ ولی وابستگی امنیت به مطالعات استراتژیک باقی ماند و امنیت همچنان در نبود جنگ تعریف می‌شد.

در پی عدم حصول امنیت توسط دولت‌ها، مشخص شد که دولت مدرن دارای حاکمیت که می‌بایست ایجاد کننده امنیت باشد خود به عنوان مهم‌ترین منشا تهدید و ناامنی است. بنابراین همکاری و میان دولت‌ها بعنوان چارچوب جدید تامین امنیت مورد توجه جدی قرار گرفت. در پی این تحول مفاهیمی مانند جنگ، قدرت و منفعت از مفهوم امنیت جدا شدند و انسان بجای دولت ملی بعنوان

^۱ - رضا خلیلی، "تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۲۳، (بهار ۱۳۸۳)،

^۲ - Hans J., Morgenthau, Political Among Nations: The Struggle for Power and Peace, (5 ed. New York: Knopf, 1973), p.273.

مبنای ایجاد امنیت در کانون معادلات امنیتی قرار گرفت و تلاشها برای رفع تهدیدات عینی و ذهنی علیه او به عنوان عضوی از جامعه بشری جهانی آغاز شد.^۱

برای روشن شدن مفهوم امنیت در این پژوهش به بستر تحول تاریخی - گفتمانی آن در قالب چهار گفتمان سنتی، فراستنی (کلاسیک)، مدرن و فرامدرن اشاره می‌شود.^۲ البته این دسته بندی صرفاً جهت تبیین هرچه بیشتر مفهوم امنیت صورت می‌گیرد و گرنه این تقسیم بندی مبنای کار این تحقیق نیست. امنیت در گفتمان سنتی: از هنگامی که انسان پا به عرصه گیتی نهاد امنیت مهمترین دغدغه او بود. در گفتمان سنتی، حفظ بقا و موجودیت در مقابل تهدیدات طبیعی مهمترین دغدغه انسان بوده است. اساساً پیدایش مفهوم امنیت در گرو پیدایی دو مفهوم دیگر یکی هویت و دیگری ارزش بوده است. در واقع اولین حادثه‌ایی که به نوعی امنیتی تلقی گردید تهدید به هویت فرد یا گروهی از افراد بود. علاوه بر این از آنجا که هنجارها و ارزشها به نوعی شکل دهنده هویت افراد و گروهها هستند تعرض به ارزشها نیز صورت گرفته بود. با عنایت به واقعیات فوق الذکر مفهوم فرهنگ وارد مقوله امنیت گردید.

در شرایط غلبه این گفتمان، فقدان امنیت یا بعبارت بهتر به مخاطره افتادن بقا و موجودیت به معنی نابودی بود و لذا افراد و حتی گروهها رغبت بیشتر به همکاری داشتند هم اینکه بخاطر فقدان مالکیت و عدم تقسیم کار، انسانها نیاز به رقابت و سلطه نداشت و لذا محیط امنیتی باثبات بود.

امنیت در گفتمان فرا سنتی (کلاسیک): در این دوره منازعات و کشمکشها عمدتاً بر سر قلمروهای ارضی صورت می‌گرفت و بیش از آنکه تهاجم به فرهنگ و هویت و ارزشها به عنوان نمادهای ذهنی امنیت اهمیت داشته باشد، تجاوز به قلمرو ارضی در کانون معادلات امنیتی قرار داشت. لذا این تحولات باعث شد که مفهوم امنیت در ذیل مفاهیم جنگ و صلح معنا دار شود.

امنیت در گفتمان مدرن: در گفتمان مدرن، فقدان تهدید، در گرو کسب قدرت و توانایی تلقی می‌شد. در عین حال این مفهوم از امنیت به گونه‌ای متناقض‌نما خود به منشا اصلی تهدید نیز مبدل شد، زیرا

^۱ - Charlotte Bretherton, "Security After Cold War: Toward a Global Paradigm" in: Charlotte Bretherton & Geoffrey Pontoon (eds), Global Politics: An Introduction, (Cambridge & Massachusetts: Blackwell, 1996) pp.137-8.

^۲ - رضا خلیلی، "امنیت، سیاست و استراتژی: تقارن تحول تاریخی - گفتمانی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۴، (زمستان ۸۴)، صص ۶ - ۷۴۲.

کسب قدرت و توانایی برای همه دولت‌های ملی عملاً نتیجه‌ای جز ناامنی و گرفتاری مفهوم جدید امنیت در معمای قدرت - امنیت نداشته است.^۱

در چارچوب این گفتمان، مفهوم منافع ملی از اعتبار خاصی برخوردار شد و همین امر زمینه را برای تقویت رقابت و منازعه هموار ساخت. بعبارت دیگر در گفتمان مدرن در کنار جنگ و نزاع، رقابت، سلطه و حتی همکاری و همگرایی در کانون معادلات امنیتی قرار گرفت. علیرغم اینکه در چارچوب این گفتمان مفهوم امنیت از بعد عینی فراتر رفت و بعد ذهنی شامل عناصری چون فرهنگ اراده و روحیه ملی از اهمیت خاصی برخوردار شد. اما به دلیل غلبه نگرش نظامی، وابستگی مفهومی امنیت به مطالعات استراتژیک باقی ماند و تا نیمه اول قرن بیستم، امنیت معنایی جز نبود جنگ نداشت.

امنیت در گفتمان فرامدرن: در این چارچوب تعریف امنیت از کسب قدرت در گفتمان مدرن به همکاری در گفتمان فرامدرن تغییر یافت. با تغییر در تعریف امنیت و منشاء تهدید در گفتمان فرامدرن، اصالت منازعه جای خود را به اصالت همکاری داد و به جای آنکه دولت‌های ملی را مبنای ایجاد امنیت قرار دهد، انسان را در کانون معادلات امنیتی قرار داده و برای رفع تهدیدات عینی و ذهنی علیه او به عنوان عضوی از جامعه بشری تلاش می‌نماید.^۲

در پرتو این گفتمان، مفهوم امنیت از مفاهیمی چون جنگ و قدرت فاصله گرفت و ابعاد نرم‌افزاری آن تقویت شد.

امنیت انسانی که با پایان جنگ سرد و در پی تلاش برای فرا رفتن از مفهوم سنتی و دولت محور امنیت مطرح شده است در چارچوب این گفتمان قابل تبیین است در اینجا هدف از امنیت انسانی، محافظت از هسته حیاتی^۳ همه افراد بشر در مقابل تهدیدات شایع نظیر جنگ، قتل عام، تروریسم، قاچاق انسان، سلاح کشنده و مخرب، بیماری، عقب‌ماندگی و فقدان سرمایه‌گذاری در بخش‌های تحصیل و بهداشت است به نحوی که با شکوفایی و کمال بلند مدت آدمی سازگاری داشته باشد.

^۱ - باری بوزان، مردم، دولتها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸) فصل هفتم

^۲ - Bretherton, Op.Cit, P.137

^۳ - هسته حیاتی اشاره به محدودیت حوزه امنیت انسانی دارد و همه وجوه ضروری و عمیق حیات آدمی را دربر نمی‌گیرد. اگرچه اجماع در این خصوص به سختی بدست می‌آید. علیرغم اختلاف نظرها در عرصه امنیت انسانی دو دسته نیازها یا دو بعد باید مدنظر قرار گیرد: یکی بعد کمی شامل ارضای جوانب مادی یعنی تامین حداقلی از نیازهای اولیه مادی همچون غذا، مسکن، آموزش، بهداشت و مانند آن می‌شود و دیگری بعد کیفی که با شخصیت انسانی مرتبط بوده و استقلال فردی، حق تعیین سرنوشت و مشارکت آزاد در زندگی اجتماعی را دربر می‌گیرد. از این منظر، رهایی از ساختارهای سرکوبگرا نه قدرت در سطوح مختلف لازمه امنیت انسانی است.

بنابراین در این تحقیق مقصود از امنیت صرفاً مفهوم تعریف شده در دوران جنگ سرد نیست بلکه طیف متنوع‌تری از موضوعات از جمله "امنیت انسانی" را در بر می‌گیرد. البته تأکید بر امنیت انسانی به معنای نفی امنیت دولت و یا خروج آن از دستور کار امنیت انسانی نیست بلکه همه سیاستهای متخذه برای وصول به امنیت انسانی، در چارچوب سیاستها و منافع دولتهاست اما در آن تأکیدها و تلاشها متحول و جایجا شده‌اند.

علیرغم روشن شدن مفهوم امنیت و روند تحول آن، باز هم در یک قالب دیگر، روند تحول مفهومی آن را توضیح می‌دهیم که از مفهوم امنیت ملی شروع به امنیت جهانی ختم می‌شود. پیدایش و تحول تدریجی پارادایم امنیتی و گذار از "امنیت ملی" به "امنیت بین‌المللی" و سپس "امنیت جهانی" که هر یک بر پایه مفروضات نظری و سیاسی متفاوتی استوار است، پیوند نزدیکی با منظور تاریخی نظام بین‌الملل و رشد اندیشه بشر در تفسیر آن دارد. در این ارتباط سه طرح و نظریه برای پاسخگویی به وضعیت امنیت مطرح شد که مرتباً مبنای نظریه و عمل دولتمردان سیاسی نیز قرار می‌گرفت.

عده‌ای مانند هابز، در چارچوب طرح واقع‌گرایانه بر این اعتقاد بودند که با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف بویژه نظامی می‌بایست قدرت خود را افزایش داده و در مقابل هرگونه تهدید خارجی، مال و جان مردم خود را حفظ کنند که مفهوم امنیت ملی در این قالب تبیین می‌شد.

عده‌ای دیگر با طرح "صلح ابدی" کانت به عنوان هنجاری اخلاقی معتقد بودند که نظام دولت‌های ملی و تفوق منافع ملی را می‌توان با یک نظم سیاسی مترقی - یک قانون اساسی جمهوری خواه، یک نظام فدرال از دولت‌ها و یک تابعیت جهانی - تجدید سازمان کرد و جامعه‌ای بشری بوجود آورد که مفهوم "امنیت جهانی" بر آن تطبیق یافت.

گروه سوم در چارچوب خط فکری گروسیوسی معتقد بودند که دولت‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل در چارچوب قواعد و نهادهای مشترک، درگیرها و نزاع‌ها با یکدیگر را محدود می‌سازند. البته این دیدگاه کاملاً می‌پذیرد که دولت‌های حاکم، بازیگران اصلی سیاست بین‌الملل هستند. تجویز گروسیوس برای رفتار بین‌المللی این است که همه دولت‌ها در تعاملاتی که با هم دارند. ملزم به رعایت قواعد و نهادهای جامعه‌ای هستند که خود تشکیل می‌دهند.¹ که این توضیح مربوط به مفهوم "امنیت بین‌المللی" می‌شد.

¹ - Helga Haftendorn,, "The Security Puzzle: Theory – Building and Discipline- Building in International Security", International Studies Quarterly, Vol.35, No.1, (March 1991), pp.8 -10.

به هر حال، اندیشه‌های هابز، کانت و گروسیوس عناصر اصلی تحول مفهومی را مطرح ساخت. هابز زمینه را برای سنت واقع‌گرایانه فراهم ساخت که پارادایم امنیت ملی، پاسخی به آن بود، کانت با توسل به محرک‌های اخلاقی بشر و نیاز وی به جهانی بهتر، پارادایم "امنیت جهانی" را شکل داد و گروسیوس با تلاش برای پیشبرد حاکمیت قانون از طریق ایجاد نهادهای بین‌المللی و تشکیل رژیم‌های امنیتی، پارادایم "امنیت بین‌المللی" را معنا کرد.

البته بررسی دقیق‌تر این سه رهیافت حکایت از انفکاک و جدایی دقیق آنها ندارد و در برخی از دوره‌های زمانی این سنت‌های فکری با یکدیگر همپوشانی دارند و یا در هر دوره زمانی عناصری از واقع‌گرایی، آرمانگرایی و نهاد سازی را می‌توان یافت.^۱ با توجه به تمرکز این تحقیق بر روی دو مفهوم "امنیت بین‌الملل" و "امنیت جهانی" توضیح بیشتری حول این دو مفهوم در ذیل ارائه می‌گردد:

امنیت بین‌الملل: در پرتو امنیت بین‌الملل، امنیت یک کشور، پیوند نزدیکی با امنیت سایر دولت‌ها و دست کم با امنیت یک دولت دیگر دارد. بعبارت دیگر، دولت‌ها آنچنان در امور امنیتی خود به هم وابسته‌اند که اقدامات یکی به شدت بر امنیت دیگری تاثیر می‌گذارد. بنابراین دولت‌ها به الگوهای نسبی همکاری نیاز پیدا می‌کنند.

کوهین ونای این ساختار را "به هم وابستگی پیچیده"^۲ نامیده‌اند که بر اساس آن وقوف به آسیب‌پذیری متقابل به شکل‌گیری الگوهای منظم و تحول تدریجی رژیم‌ها می‌انجامد.^۳ شکل نظریه‌های وابستگی متقابل و همچنین نظریه رژیم‌ها در پرتو این تحول شکل گرفت. از نظر کراسنر "رژیم بین‌المللی اصول، هنجارها، قواعد و آیین‌های تصمیم‌گیری هستند که انتظارات بازیگران در یک زمینه مشخص حول آنها به هم می‌گراید"^۴

کیوهن هم می‌گوید، لازم نیست قواعد و اصول ضرورتاً مورد توافق رسمی حکومت‌ها قرار گیرند. بلکه باید طی مدت زمان طولانی رعایت شوند.^۵

^۱ - جیمز روزنا و همکاران، ارزیابی انتقادی در زمینه امنیت بین‌المللی، ترجمه: علیرضا طیب، (تهران: نی، ۱۳۸۰)، صص ۹-۱۹۷.

^۲ - Complex Interdependence

^۳ - Roberto Keohane, and Joseph S.Nye, Power and Interdependence: World Politics in Transition (Boston: Little Brown, 1977).

^۴ - S.Krasner, "Structural Causes and Regime Consequences", International Organization, 36,(1982), p.10.

^۵ R.O, Keohane, International Institutions and State Power: Essays in International Relations Theory, (Boulder Co, West View Press, 1989), p.4

همچنین لازم نیست که همکاری تنها الگوی موجود باشد. اگر وجه مشخصه تعاملات، ترکیبی از مواجهه و همکاری باشد و ضمناً آیین‌نامه‌های نهادینه محترم شمرده شوند، یک ساختار، کیفیت یک رژیم را خواهد داشت. رژیم‌های امنیتی^۱ بر اساس همکاری منظم دو یا چند دولت در موضوعات مربوط به امنیت ملی تعریف می‌شوند و تحت حاکمیت هنجارها و قواعدی صریح یا تلویحی هستند که به ملت‌ها اجازه می‌دهد بر اساس این اعتقاد که دیگران نیز مقابله به مثل خواهند کرد، رفتار خویش را محدود سازند.

رژیم‌های امنیتی، الگوهایی از همکاری امنیتی بین دولت‌ها در وضعیتی شبه اقتدارگریزی هستند که در آن هیچ قدرت مرکزی، محدودیتی بر تعقیب منافع حاکمیت تحمیل نمی‌کند. رژیم‌های امنیتی در طول زمان وجود دارند ولی اغلب تنها تعداد معدودی از دولت‌هایی را که در نفع مشترکی (مانند بقا در شرایط تهدید ناشی از بازدارندگی هسته‌ای) با هم سهیم‌اند، دربرمی‌گیرند و سایر منافع و کشورها را حذف می‌کنند. همکاری "ایجاب می‌کند که اقدامات افراد و سازمان‌های جداگانه‌ای که از حیث اقدامات به هم وابسته‌اند و از قبل با هم هماهنگی ندارند، از طریق فرایند هماهنگ‌سازی خط‌مشی‌ها با یکدیگر سازگار شود"^۲ همکاری بین‌المللی، فرض وجود نهادهای موثر را برای محدود ساختن رفتار دولت‌ها در خود دارد.

نهادها اشاره به نوعی ترتیبات خاص تنظیم شده از سوی بشر دارند که دارای سازمان رسمی و غیر رسمی هستند. نهادهای مشخص را می‌توان بر حسب قواعدشان تعریف کرد. این قواعد باید با دوام باشند و افزون بر محدود ساختن فعالیت و شکل دادن به توقعات بازیگران، باید برای آنها نقش‌های رفتاری مقرر سازند. الگوهای اجتماعی یادگیری، به پا گرفتن رویه‌های مکرر همکاری کمک می‌کنند. برخی نهادها - مانند اتحادیه‌ها - سازمان‌هایی رسمی با سلسله مراتبی مقرر شده و توانایی اقدام موثر هستند. نهادهای دیگر همچون ترتیبات کنترل تسلیحات، مجموعه‌های پیچیده‌ای از قواعد و هنجارها هستند که دولت‌ها در مورد عناصر اصلی آنها گفتگو و با صراحت توافق کرده‌اند. نهادهای بین‌المللی توانایی تسهیل همکاری را دارند و موجب کاهش بلا تکلیفی و هزینه‌ها می‌شوند.^۳ اما بدون هنجارها و اصول مشترک، نهادها اگر هم ظهور یابند، دوام نخواهند داشت.

^۱ - Security regimes

^۲ - R. Keohane, After Hegemony, (Princeton: Princeton University Press, 1984), P.15

^۳ - روزنا و همکاران، پیشین، ص ۲۰۶.

البته نقدهای جدی نیز بر نظریه رژیم‌های امنیتی و نظریه نهادگرایی لیبرال وجود دارد. اما این واقعیت هم وجود دارد که مفهوم امنیت بین‌المللی برای امور امنیتی، تجویزهای بهتری از استراتژی امنیت ملی دارد.

در سالهای بعد از فروپاشی شوروی، امنیت بین‌المللی بدلیل دلمشغولیهایی که از سلاح‌های هسته‌ای و بازدارندگی با خود داشت دارای کاستی‌های مفهومی زیادی بود. لذا برای غلبه بر محدودیت‌های ذاتی مفاهیم امنیت ملی و امنیت بین‌المللی که ابعادی از امنیت نظیر اقتصاد، محیط زیست و... را در نظر نمی‌گرفت تلاش برای طراحی پارادایم جدید تحت عنوان "امنیت جهانی" آغاز گردید.

امنیت جهانی: این مفهوم اشاره به یک سیستم نظم یا امنیت در سطح جهان دارد. این مفهوم تجلی یک برنامه امنیت برای جامعه جهانی متشکل از انسان‌ها مطابق پیشنهاد کمیسیون پالمه^۱ است. این کمیسیون یک "کمیسیون مستقل در مورد خلع سلاح و موضوعات امنیتی" بود. کمیسیون مزبور در گزارش خود تحت عنوان امنیت مشترک که نام دیگر آن طرح اولیه بقا بود، جایگزین ساختن استراتژی امنیت مشترک مبتنی بر پایبندی به بقای مشترک و برنامه‌ای برای خلع سلاح و کنترل تسلیحات را به جای استراتژی بازدارندگی متقابل توصیه کرد. همچنین پیشنهاد می‌کرد که نظام بین‌المللی را تغییر دهیم و آن را واجد قابلیت دگرگونی مسالمت‌آمیز و منظم، مناسب برای تجارت و مسافرت و مشوق مبادله اندیشه‌ها و تجربه‌ها بین فرهنگ‌ها سازیم.

یک سیستم نظم جهانی و یک نظام امنیت جهانی، فرض وجود مفهومی عام و جهانشمول از امنیت و مجموعه مشترکی از هنجارها، اصول و رویه‌هایی را که منجر به الگوهای مشترک رفتار بین‌المللی می‌شوند، در خود دارد. ساختن مفهومی فراگیر از امنیت که در همه زمان‌ها و در مورد همه مناطق صادق باشد، به مفروضات ما درباره سرشت نظام بین‌المللی بستگی خواهد داشت.^۲

به هر حال با فراگیر شدن مفهوم امنیت جهانی مسئله هویت‌ها از اهمیت خاصی برخوردار شده است. حال مسئله تامین امنیت هویت‌ها اعم از خرده‌ملی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بعنوان یک مسئله جدی و معضل امنیتی روز مطرح شده است. در این چارچوب بحث فرهنگ هم وارد مقوله امنیت می‌شود.

اساساً فرهنگ عامل اصلی سازنده‌ی هویت یک جامعه است. هویتی که مبنای اصلی تصمیم‌گیری و شیوه رفتار در یک جامعه می‌باشد. در واقع فرهنگ مهمترین و اصلی‌ترین وسیله مشخص‌کننده حیات جهانی ملت‌هاست زیرا اندامی بی‌همتا و منحصر به فرد متشکل از ارزش‌ها و باورهای

^۱ - Palme

^۲ - روزنا و همکاران پیشین، ص ۲۱۰.